

روایتی از شوک‌های خارجی تا کسری بودجه؛

تورم ایران از کجا آب می خورد؟

معاون وزیر راه و شهرسازی :

قدرت خرید مسکن کم شده است، سرمایه‌گذاران هم از بازار ساختمان عقب نشستند



بلا تکلیفی گواهینامه موتور سیکلت بانوان در دوراهی تفسیر یا اصلاح قانون

سایه جنگ با ایران بر انتخابات کنگره؛

ترامپ در محاصره بحران انرژی و کابوس شکست انتخابات

در صفحه ۸

راغفر: زمین ارزان بدهید،

مردم خودشان مسکن می سازند

یک اقتصاددان با بیان اینکه در دهه اول انقلاب با وجود همه محدودیت‌ها دو میلیون واحد مسکونی توسط تعاونی‌های مسکن و خود مردم ساخته شد، گفت: اگر دولت برای واگذاری زمین ارزان‌قیمت به خانوارها اقدام کند و مصالح ساختمانی پارانهای نیز در اختیار تعاونی‌های مسکن قرار دهد، مردم می‌توانند بخش قابل توجهی از نیاز مسکن خود را تأمین کنند. حسین راغفر در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: یکی از اصلی‌ترین عوامل تورم در بازار مسکن، سیاست‌های بخش عمومی است. با افزایش قیمت ارز، هزینه نهاده‌های تولید نیز افزایش پیدا می‌کند و این افزایش هزینه در نهایت بر قیمت مسکن اثر می‌گذارد. در کنار این مسئله، وجود مافیای مسکن و همسویی برخی اقدامات در بخش‌های تصمیم‌گیر با این جریان موجب شده مسکن از سید دسترسی بسیاری از خانوارها خارج شود. به همین دلیل جوانان نمی‌توانند ازدواج کنند، چراکه امکان تأمین مسکن ندارند و ناچارند در خانواده بمانند.

این اقتصاددان با بیان اینکه هزینه مسکن، چه استیجاری و چه ملکی عملاً از توان تقاضای بخش قابل توجهی از خانوارها خارج شده است، گفت: به نظر من مسئول اصلی افزایش قیمت مسکن سیاست‌های بخش عمومی است. راغفر قیمت زمین را یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش قیمت مسکن دانست و تصریح کرد: اگر دولت برای واگذاری زمین ارزان‌قیمت به خانوارها اقدام کند و مصالح ساختمانی پارانهای نیز در اختیار تعاونی‌های مسکن قرار دهد، مردم می‌توانند بخش قابل توجهی از نیاز مسکن خود را تأمین کنند. وی با اشاره به تجربه دهه نخست انقلاب اسلامی گفت: در دهه اول انقلاب، با وجود همه محدودیت‌هایی که وجود داشت، حدود دو میلیون واحد مسکونی توسط تعاونی‌های مسکن و خود مردم ساخته شد. در آن دوره، دولت زمین را تقریباً رایگان در اختیار تعاونی‌ها قرار می‌داد و مصالح ارزان‌قیمت نیز ارائه می‌کرد و تعاونی‌ها با مشارکت و کمک مردم اقدام به ساخت‌وساز می‌کردند. این اقتصاددان با بیان اینکه مسکن را باید یک کالای سیاسی نیز دانست، گفت: مسکن یک کالای سیاسی است و به همین دلیل همه دولت‌ها باید نسبت به تأمین آن برای خانوارها حساس باشند.

راغفر با اشاره به سیاست‌های اعتباری در برخی کشورها اظهار کرد: حتی در دولت‌های نولیبرال نیز تسهیلات قابل توجهی برای خرید مسکن ارائه می‌شود و در برخی موارد وام می‌تواند بخش بزرگی از قیمت مسکن را پوشش دهد. در حالی که در ایران، مقایسه قیمت مسکن با وام‌های پرداختی عملاً به یک شوخی تبدیل شده است، چراکه تسهیلات مسکن فاصله بسیار زیادی با قیمت واقعی واحدهای مسکونی دارد و نمی‌تواند شکاف قدرت خرید خانوار را پر کند. راغفر تأکید کرد: برای اصلاح وضعیت مسکن باید یک اراده سیاسی جدی وجود داشته باشد، در حالی که به نظر می‌رسد چنین اراده‌ای وجود ندارد. مجموعه این شرایط باعث شده مسکن از دسترس بخش قابل توجهی از خانوارها خارج شود و فشار اقتصادی ناشی از آن روزبه‌روز افزایش یابد.

این اقتصاددان در بخش دیگری از اظهارات خود با اشاره به شرایط سیاسی و اقتصادی کشور گفت: در شرایطی که کشور با فشارهای خارجی و پیامدهای حمله نظامی مواجه است، نباید اجازه داد مشکلات اقتصادی و اجتماعی به عاملی برای افزایش راضیاتی تبدیل شود. راغفر با بیان اینکه دشمن پس از حمله نظامی، در حال حاضر امید خود را برای براندازی به اعتراضات داخلی معطوف کرده است، اظهار کرد: به نظر می‌رسد مجموعه‌ای از چهل طمع و نفوذ در کشور وجود دارد که می‌تواند آسیب‌های سنگینی برای جامعه به دنبال داشته باشد. وی در پایان بر ضرورت اصلاح سیاست‌های بخش مسکن، کاهش هزینه تأمین زمین و مصالح و تقویت نقش تعاونی‌ها و مردم در ساخت مسکن تأکید کرد.

هوش مصنوعی چگونه بازار کار و آینده شغلی

انسان را تغییر می دهد؟



هوش مصنوعی چگونه بازار کار و آینده شغلی انسان را تغییر می‌دهد؟

جذب فناوری کمتری دارند، ممکن است هم از مزایای آن کمتر بهره ببرند و هم در بلندمدت فاصله بیشتری پیدا کنند.

در این میان، یک خطر کمتر دیده‌شده وجود دارد: ممکن است بحران اصلی نه یکبارگی گسترده ، بلکه بی‌ارزش شدن تدریجی مهارت‌های قدیمی باشد. فردی که بیست سال برای یک نوع کار آموزش دیده، شاید یک‌شبه بیکار نشود؛ اما ممکن است دستمزد، قدرت چانه‌زنی و فرصت‌های شغلی او آرام‌آرام کاهش یابد. این نوع جابه‌جایی از نظر اجتماعی حتی می‌تواند دشوارتر باشد، زیرا در آمار رسمی بیکاری لزوماً به‌سادگی دیده نمی‌شود. از همین رو، پاسخ به تحول بازار کار را نمی‌توان به توصیه‌ای کلی مثل «همه باید هوش مصنوعی یاد بگیرند» تقلیل داد. همه کارکنان نیز برنامه‌نویس یا متخصص داده شوند. آنچه اهمیت دارد، باطراراً آموزش بر اساس مسئله حل‌کردن و مهارت‌های قابل انتقال است. کارمند اداری باید تحلیل و ارتباط را تقویت کند، معلم باید بتواند از ابزارهای جدید برای شخصی‌سازی آموزش استفاده کند، مدیر باید داده‌محورتر تصمیم بگیرد و نیروی فنی باید در کنار تخصص حرفه‌ای خود، توان کار با ابزارهای هوشمند را به دست آورد.

تعریف امنیت شغلی در حال تغییر است برای سیاست‌گذار نیز مسئله صرفاً خرید فناوری نیست. مدرسه، دانشگاه و نظام آموزش فنی باید بتوانند با سرعتی بیشتر از گذشته مهارت‌های موردنیاز بازار را بازآموزی کنند. بنگاه اقتصادی نیز باید میان کاهش هزینه نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری نیروی انسانی «دست به انتخاب بزند. تجربه سال‌های آینده نشان خواهد داد که سازمان‌هایی که فقط به حذف نیروی کار فکر می‌کنند، لزوماً برندگان تحول فناوریانه نخواهند بود؛ زیرا فناوری بدون نیروی انسانی توانمند، دیر یا زود به یک ابزار بلااستفاده با کم‌اثر تبدیل می‌شود. حتی در سطح برده‌ای نیز تعریف «امنیت شغلی» در حال تغییر است. امنیت شغلی دیگر فقط به استخدام رسمی، سابقه طولانی یا عنوان سازمانی وابسته نیست. بخشی از این امنیت به توانایی یادگیری، سازگاری و جابه‌جایی میان نقش‌ها وابسته خواهد شد.

فردی که بتواند در طول زندگی حرفه‌ای خود چند بار مهارت‌های اصلی‌اش را بازتعریف کند، احتمالاً در برابر شوک‌های فناورانه مقاوم‌تر از کسی خواهد بود که تمام سرمایه حرفه‌ای خود را بر یک وظیفه ثابت بنا کرده است.

برای همین شاید سؤال درست این نباشد که کدام شغل را هوش مصنوعی می‌گیرد؟. فناوری معمولاً یک عنوان شغلی را یک‌باره از روی صفحه‌جهان پاک نمی‌کند؛ ابتدا و ظایف آن را خرد می‌کند، بخش‌های تکراری را می‌گیرد، سرعت کار را بالا می‌برد و بعد ساختار شغل را تغییر می‌دهد. برنده این فرایند الزاماً کسی نیست که از فناوری کمتر استفاده می‌کند یا بیشتر می‌ترسد؛ برنده کسی است که زودتر می‌فهمد چه چیزی در کارش قابل واگذاری است و چه چیزی هنوز به قضاوت، مسئولیت، خلاقیت و اعتماد انسانی نیاز دارد.

آینده بازار کار را ماشین‌ها به تنهایی نخواهند نوشت؛ این آینده را تصمیم‌های امروز ما دربارۀ آموزش، مهارت، سیاست‌گذاری و فرهنگ کار ساخته خواهد شد. شغل‌هایی حذف خواهند شد، شغل‌هایی مولد خواهند شد و تعداد زیادی از شغل‌های موجود نیز چنان تغییر خواهند کرد که نامشان باقی می‌ماند اما ماهیتشان دیگر همان نخواهد بود. مسئله اصلی برای جامعه، این است که انسان‌ها در زمان تغییر، از صاحبان آینده به تماشاگران آن تبدیل نشوند.

گزارش

با ورود هوش مصنوعی به محیط کار، برخی مشاغل دگرگون یا حذف و فرصت‌های شغلی تازه‌ای ایجاد خواهند شد. یک روز ممکن است کارمند بخش اداری وارد اتاقش شود و ببیند بخشی از کارهایی که سال‌ها انجام می‌داده، دیگر روی میز او نیست؛ نه به این دلیل که اخراج شده، بلکه چون نرم‌افزارها، هوش مصنوعی‌ها و... آن‌ها را در چند دقیقه انجام می‌دهند. مسئله امروز این است که وقتی هوش مصنوعی بخشی از وظایف انسان را انجام می‌دهد، سرنوشت خود انسان چه خواهد شد؟ پرسشی اصلی البته نباید فقط این باشد که کدام شغل‌ها حذف می‌شوند؟. پرسشی دقیق‌تر این است که کدام وظایف حذف خواهند شد؟ کدام وظایف دگرگون می‌شوند و چه مهارت‌هایی برای پیشتری پیدا خواهند کرد.

ارزش بیشتری پیدا خواهند کرد. این تفاوت ظاهراً ساده، نگاه ما به آینده بازار کار را کاملاً تغییر می‌دهد. گزارش به‌روزشده سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۲۵

نیز نشان می‌دهد که در اغلب موارد، مسئله بیشتر «دگرگونی شغل» است تا حذف کامل آن. بر اساس این گزارش، حدود یک چهارم نیروی کار جهان در مشاغلی قرار دارند که در درجاتی در معرض هوش مصنوعی مولد هستند، اما بسیاری از این مشاغل همچنان به دخالت انسانی نیاز خواهند داشت.

در این میان، برخی مشاغل پیش از دیگران در معرض تغییر قرار دارند؛ به‌ویژه کارهایی که بخش عمده آن‌ها بر پردازش اطلاعات، ورود داده، تولید متن‌های تکراری، تنظیم اسناد، محاسبات روتین یا پاسخ‌گویی استاندارد استوار است. سازمان بین‌المللی کار همچنان مشاغل دفتری را در زمره مشاغل با بالاترین میزان مواجهه قرار می‌دهد و از کارهایی مانند ورود داده، تایپ، حسابداری و دفترداری و منشی‌گری اداری به‌عنوان نمونه‌های شاخص یاد می‌کند.

فناوری هم‌زمان می‌تواند شغل را تهدید کند و ارزش یک نیروی انسانی را افزایش دهد اما یک اشتباه مهم در تحلیل آینده کار این است که «مواجهه بالا» را با «حذف قطعی» یکی بدانیم. یک حسابدار ممکن است دیگر بخش بزرگی از محاسبات و گزارش‌های اولیه را به‌صورت دستی انجام ندهد، اما همچنان برای تفسیر نتایج، تصمیم‌گیری، کنترل خطا، ارتباط با مشتری و بذیرش مسئولیت حرفه‌ای یا انسان‌ای‌نگارنده باشد. در واقع، ممکن است شغل از بین نرود؛ بلکه اجزای آن از کنار هم چیده شوند.

این تغییر حتی به مشاغل تخصصی‌تر هم رسیده است. گزارش ۲۰۲۵ سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد که در کنار مشاغل اداری، میزان مواجهه در برخی نقش‌های حرفه‌ای و فنی، از جمله تحلیلگران مالی، توسعه‌دهندگان وب و چندرسانه‌ای، برنامه‌نویسان و مشاوران سرمایه‌گذاری نیز افزایش یافته است؛ موضوعی که بازتاب‌دهنده گسترش توانایی سامانه‌های مولد در انجام وظایف پیچیده‌تر و دیجیتال‌تر است. از اینجایک یک تناقض مهم شکل می‌گیرد: فناوری که فقط اجرای یک دستورالعمل مشخص را بلد است، آسیب‌پذیرتر خواهد بود؛ اما کسی که مسئله را تعریف می‌کند، خروجی را ارزیابی می‌کند، با دیگران مذاکره می‌کند و مسئولیت نتیجه را بر عهده می‌گیرد، می‌تواند از همان فناوری به‌عنوان اهرم بهره بگیرد. بنابراین رقیابت آینده الزاماً انسان در برابر هوش مصنوعی نیست؛ بیشتر «انسان مجبور به فناوری در برابر انسانی است که از فناوری عقب مانده است».

گزارش آینده مشاغل مجمع جهانی اقتصاد نیز همین دوگانه را به‌نوعی تأیید می‌کند. این گزارش پیش‌بینی کرد که تا سال ۲۰۳۰ تحولات فناوری، اقتصادی، جمعیتی و زیست‌محیطی در مجموع می‌تواند ۱۷۰ میلیون شغل جدید ایجاد و ۹۲ میلیون شغل را جابه‌جا یا حذف کند؛ یعنی تراز کلی اشتغال، در این برآورد، مثبت است. با این حال، همین گزارش تأکید می‌کند که در کنار مهارت‌های فناورانه، مهارت‌هایی مانند تفکر، همکاری و دیگر توانایی‌های انسانی نیز اهمیت فزاینده‌ای خواهند یافت.

بحران اصلی بی‌ارزش شدن تدریجی مهارت‌های قدیمی است

پس شغل‌های آینده لزوماً آن‌هایی نیستند که پیشترین فاصله را از انسان دارند؛ اتفاقاً بخشی از مشاغل رو به رشد، به حوزه‌هایی مربوطاند که به حضور انسانی، اعتماد، مراقبت، آموزش و تعامل وابسته‌اند. مجمع جهانی اقتصاد در کنار مشاغل فناورانه و داده‌محور، از رشد نقش‌هایی مانند آموزش، مراقبت و برخی مشاغل بنیادی اقتصادی نیز سخن می‌گوید.

البته نباید از سویی دیگر به دام خوش‌بینی ساده‌انگانه افتاد. تغییر فناوری برای همه افراد و همه کشورها یکسان نخواهد بود. صندوق بین‌المللی پول برآورد کرده است که حدود ۶۰ درصد مشاغل در اقتصادهای پیشرفته در معرض آثار هوش مصنوعی قرار دارند؛ در اقتصادهای نوظهور این سهم حدود ۴۰ درصد و در کشورهایی که درآمد حدود ۲۶ درصد برآورد شده است. مسئله مهم این است که کشورهایی که زیرساخت، سرمایه انسانی و توان

معجزه کریدورها؛ رقبای ایران برای جذب بار چه می کنند؟

و از سوی دیگر، کریدور شمالی و مسیرهای عبوری از خاک خود را برای حفظ جایگاهش در تجارت اوراسیا دنبال می‌کند. کریدور شمال-جنوب می‌تواند کالا را از بنادر روسیه در شمال از طریق دریای خزر و شبکه حمل‌ونقل ایران به بنادر جنوبی و سپس هند منتقل کند. با این حال تحقق ظرفیت این مسیر به تکمیل زیرساخت‌ها، توسعه حمل‌ونقل ریلی، افزایش ظرفیت بنادر و رفع گلوگاه‌های ریلی و مرزی وابسته است. در طرف مقابل روسیه مسیرهای دیگری نیز برای ارتباط با چین و اروپا در اختیار دارد. بنابراین همکاری تهران و مسکو در کریدور شمال-جنوب زمانی می‌تواند به نتیجه برسد که مسیر ایران از نظر زمان و هزینه برای صاحبان کالا توجیه اقتصادی داشته باشد.

ساخت خط آهن رشت-آستارا که قرارداد آن در دولت سیزدهم امضا شد در همین راستا بوده است. امارات متحده عربی الزاماً رقیب مستقیم ایران در همه مسیرهای زمینی نیست، اما از طریق بنادر، مناطق آزاد و شبکه خدمات لجستیکی بخشی از بازار حمل‌ونقل منطقه را در اختیار دارد. حمل‌دریایی به دلیل ظرفیت بالا، امکان جابجایی محموله‌های حجیم و هزینه پایین‌تر نسبت به راه و شهرسازی برای رقابت با کریدور میانی و مسیرهای دریایی، نگاه نمی‌دارد. در چنین شرایطی، صرفاً کوتاه‌تر بودن مسیر زمینی کافی نیست. اگر کالا در مرز متوقف شود، قطار به دلیل کمبود واگن حرکت نکند یا هزینه‌های بیمه و انتقال پول افزایش یابد، مسیر کوتاه‌تر نیز ممکن است برای صاحب کالا جذاب نباشد.

ایران همچنان یکی از معدود کشورهای دنیاست که می‌تواند در چند جهت جغرافیایی نقش ترازینی داشته باشد. از شمال به روسیه و آسیای مرکزی، از شرق به افغانستان و پاکستان، از غرب به ترکیه و اروپا و از جنوب به ابهامی آزاد متصل است. اما رقابت منطقه‌ای نشان می‌دهد این موقعیت زمانی به مزیت اقتصادی تبدیل می‌شود که زیرساخت، مدیریت مرز، خدمات لجستیکی و سیاست‌گذاری تجاری در کنار یکدیگر عمل کنند. کشورهای رقیب در حال توسعه مسیرهای خود هستند و صاحبان کالا نیز مسیر را بر اساس زمان، هزینه و ریسک انتخاب می‌کنند.

کشورمان باید برای افزایش سهم خود از ترازیت از مرحله معرفی ظرفیت‌ها عبور کرده و درباره عملکرد واقعی مسیرها پاسخ مشخص ارائه دهد.

از این رو افزایش سهم ایران از بازار ترازیت تنها با تأکید بر موقعیت جغرافیایی یا اعلام اهداف کمی محقق نمی‌شود. آنچه اهمیت دارد مشخص شدن برنامه عملیاتی برای تکمیل زیرساخت‌ها، کاهش زمان توقف در مرزها، توسعه حمل‌ونقل ریلی و رقابتی‌کردن هزینه عبور کالا است.

در چنین شرایطی لازم است دستگاه‌های مسئول درباره فاصله میان ظرفیت‌های موجود و عملکرد واقعی مسیرهای ترازینی کشور توضیح دهند. به‌ویژه آن‌که هدفگذاری افزایش ترازیت به ۴۰ میلیون تن بدون تعیین الزامات اجرایی و شاخص‌های قابل اندازه‌گیری نمی‌تواند به‌تنهایی تضمینی برای افزایش سهم ایران از تجارت منطقه باشد.

پرسش اصلی این است که ایران در برابر تورم کریدورهای رقیب چه برنامه عملیاتی دارد؟ آیا هدفگذاری افزایش ترازیت به ۴۰ میلیون تن با ظرفیت واقعی زیرساخت‌ها، پایانه‌های مرزی، خطوط ریلی و ناوگان حمل‌ونقل هماهنگ شده است؟

وزارت راه و شهرسازی برای رقابت با کریدور میانی و مسیرهای دریایی نگاه نمی‌کنند. چه برنامه مشخصی دارد؟ خط آهن رشت-آستارا و توسعه مسیرهای ریلی شمال-جنوب چه زمانی عملیاتی می‌شود؟ زمان توقف کامیون‌ها و واگن‌ها در مرزهای ایران در مقایسه با مسیرهای رقیب چقدر است؟ برای کاهش هزینه‌های بیمه، انتقال پول و خدمات لجستیکی چه اقداماتی انجام شده است؟

ظرفیت واقعی بنادر و پایانه‌های مرزی ایران برای تحقق هدف ۴۰ میلیون تن ترازیت چقدر است؟ آیا برای جلوگیری از انتقال بار به مسیرهای ترکیه، آذربایجان، قزاقستان و مسیرهای دریایی، شاخص مشخصی برای زمان و هزینه عبور کالا تعیین شده است؟

کشورهای همسایه ایران سالهاست در رقابت کریدورها با توسعه زیرساخت‌ها برای جذب بار ترازینی تلاش می‌کنند.

رقابت در کریدورهای منطقه‌ای فقط بر سر داشتن مرز مشترک یا قرار گرفتن در مسیر جغرافیایی مناسب نیست. کشورها تلاش می‌کنند با کاهش زمان عبور، توسعه زیرساخت، تسهیل تشریفات مرزی و ارائه خدمات لجستیکی صاحبان کالا را به انتخاب مسیر خود ترغیب کنند.

کشورمان از نظر جغرافیایی در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند مسیر اتصال آسیای مرکزی، روسیه و چین به ابهامی جنوبی باشد. این توانستن یک آما "دارد؛ این که این موقعیت به‌تنهایی برای جذب بار کافی نیست. طی سال‌های اخیر کشورهای رقیب با سرمایه‌گذاری در مسیرهای جایگزین تلاش کرده‌اند سهم بیشتری از تجارت منطقه را به دست آورند. در این بین کشورهایی ترکیه، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، روسیه و امارات هر کدام با استفاده از ظرفیت‌های جغرافیایی و اقتصادی خود بخشی از بازار ترازیت را هدف گرفته‌اند. مسیرهای دریایی نیز همچنان با وجود طولانی‌تر بودن برخی مسیرها به دلیل ظرفیت بالا و هزینه رقابتی، رقیب جدی مسیرهای زمینی محسوب می‌شوند.

ترکیه؛ اتصال شرق به اروپا ترکیه در سال‌های اخیر تلاش کرده جایگاه خود را به‌عنوان مسیر اتصال چین و آسیای مرکزی به اروپا تقویت کند. این کشور در کریدور میانی یا همان مسیر ترانس خزر نقش‌محور دارد. مسیری که از چین و آسیای مرکزی آغاز می‌شود از دریای خزر و قفقاز عبور کرده و به ترکیه و سپس اروپا می‌رسد.

ترکیه برای تقویت این موقعیت روی توسعه خطوط ریلی، بنادر، پایانه‌های لجستیکی و اتصال شبکه حمل‌ونقل خود به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز فوکوس کرده است. مسیر باکو-تفلیس-قارص نیز یکی از اجزای مهم این شبکه به‌شمار می‌رود.

مزیت این کشور برای صاحبان کالا دسترسی به بازار اروپا و برخورداری از شبکه حمل‌ونقل نسبتاً گسترده است. در مقابل کشورمان برای رقابت با این مسیر باید بتواند زمان عبور کالا از مرزهای خود را کاهش دهد و خدمات ریلی و جاده‌ای قابل پیش‌بینی‌تری ارائه کند.

آذربایجان و استفاده از موقعیت قفقاز

هم‌زمان کشور آذربایجان تلاش کرده از موقعیت خود در قفقاز جنوبی و دسترسی به دریای خزر برای جذب بار ترازینی استفاده کند. این کشور در مسیر اتصال آسیای مرکزی به قفقاز و اروپا قرار دارد و از طریق بنادر خود در دریای خزر بخشی از شبکه کریدور میانی را پشتیبانی می‌کند. بنادر آلات و اتصال آن به شبکه جاده‌ای و ریلی از جمله ظرفیت‌هایی است که آذربایجان برای تقویت نقش خود در حمل‌ونقل منطقه‌ای دنبال کرده است. این کشور همچنین تلاش دارد با توسعه همکاری‌های حمل‌ونقلی با قزاقستان، ترکمنستان، گرجستان و ترکیه، جایگاه خود را در مسیرهای عبوری از خزر تثبیت کند.

در چنین شرایطی، ایران در شمال‌غرب با مسیری مواجه است که می‌تواند بخشی از بار شرق به غرب را بدون عبور از خاک ایران منتقل کند. این موضوع اهمیت مسیرهای جلفا، آستارا، رشت-آستارا و اتصال ریلی ایران به قفقاز را بیشتر می‌کند.

روسیه؛ پیوند آسیای مرکزی با خزر

قزاقستان از دیگر کشورهایی است که در سال‌های اخیر توجه بیشتری به توسعه مسیرهای ترازینی خود نشان داده است. این کشور به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای آسیای مرکزی هم به چین دسترسی دارد و هم از طریق دریای خزر می‌تواند به قفقاز و اروپا متصل شود. قزاقستان با استفاده از بنادر خزر و توسعه شبکه ریلی و جاده‌ای، تلاش می‌کند نقش خود را در کریدور میانی افزایش دهد.

این مسیر برای کالاهایی که از چین به سمت اروپا حرکت می‌کنند، یکی از گزینه‌های جایگزین مسیرهای سنتی محسوب می‌شود. رشد مسیر میانی نشان می‌دهد صاحبان کالا فقط به کوتاه‌ترین مسیر جغرافیایی نگاه نمی‌کنند. امنیت مسیر، امکان عبور از مرزها، ثبات مقررات و سرعت جابه‌جایی نیز در انتخاب آنها اهمیت دارد. ایران در ارتباط با آسیای مرکزی از نظر مسافت و دسترسی به آب‌های آزاد مزیت‌هایی دارد. اما برای تبدیل این مزیت به سهم واقعی از بازار، باید اتصال ریلی و جاده‌ای خود به ترکمنستان، قزاقستان و روسیه را تقویت کند.

روسیه، شریک و رقیب

روسیه برای ایران هم شریک مهم در کریدور شمال-جنوب است و هم در برخی مسیرها رقیب محسوب می‌شود. این کشور از یک سو به دنبال توسعه مسیرهای ارتباطی با ایران و هند است

سیگار قاچاق در ویترن دکها؛

شبکه توزیع دیگر زیرزمینی نیست



رئیس انجمن تولیدکنندگان، صادرکنندگان و واردکنندگان محصولات دخانی با اشاره به عرضه آزادانه سیگارهای قاچاق و تقلبی در سطح بازار گفت: شبکه توزیع این محصولات دیگر فعالیتی پنهانی و زیرزمینی ندارد و برآورد می‌شود حدود ۳۰ درصد نیاز بازار دخانیات کشور از طریق قاچاق تأمین شود.

محمدرضا تاجدار در گفت‌وگو با ایسنا، در پاسخ به سؤالی درباره حجم و میزان سیگار و دخانیات قاچاق و عرضه آزادانه آن‌ها در کشور گفت: متأسفانه این موضوع حقیقت دارد و کافی است که به اولین دهه روزنامه‌فروشی مراجعه کنید؛ مشاهده می‌شود که انواع سیگارهای قاچاق، تقلبی و سیگارهای الکترونیکی آزادانه پشت وپنجره‌ها موجود و عرضه این اقلام در یک شبکه توزیع کاملاً مشخص و سازمان‌یافته انجام شده و فعالیت آن‌ها به‌هیچ‌وجه پنهانی یا زیرزمینی نیست. وی تصریح کرد: طبق برخی مشاهدات و گزارش‌های میدانی، بار و محصولات قاچاق به‌صورت روزانه در اختیار واحدهای پخش قرار می‌گیرد و عوامل توزیع پس از فروش کالا، اقدام به تسویه و جمع‌آوری وجوه نقد می‌کنند که این موضوع نشان‌دهنده حاشیه امن و فضای بسیار راحتی است که برای فعالیت محصولات قاچاق ایجاد شده است.

رئیس انجمن تولیدکنندگان، صادرکنندگان و واردکنندگان محصولات دخانی خاطرنشان کرد: در شرایطی که حدود ۷۰ درصد از قیمت تمام‌شده محصول تولیدی توسط تولیدکنندگان داخلی به‌صورت مالیات پرداخت می‌شود؛ در حوزه تأمین ارز با مشکلات و موانع بسیار جدی روبرو هستیم به‌طوری‌که در سال ۱۴۰۴، میانگین زمان انتظار واحدهای تولیدی برای دریافت ارز از بانک مرکزی بیشتر از هشت ماه بوده است؛ به‌طوری‌که ثبت سفارش انجام‌شده در تیرماه ۱۴۰۲، در خردادماه ۱۴۰۵ موفق به تأمین ارز از بانک مرکزی شد.تاجدار افزود: در آن مقطع، کالا با استفاده از رویه ترخیص ۹۰ درصدی از گمرک ترخیص و با مبنای نرخ ارز ۶۰ هزار تومانی قیمت گذاری و وارد بازار و عرضه شد، اما زمانی که تخصیص و تسویه قطعی ارز انجام گرفت، نرخ ارز به حدود ۱۴ تا ۱۵۰ هزار تومان رسیده بود؛ به این ترتیب، تقریباً تمامی واحدهای تولیدی به‌دلیل عدم تخصیص به‌موقع ارز و ترخیص درصدی کالا، متناسب با سهم خود در بازار متحمل زیان‌های سنگینی شدند که بخشی از افزایش قیمت‌های غیرمعارف در بازار دخانیات نیز دقیقاً ناشی از همین شکاف زمانی و عدم تخصیص به‌موقع ارز است. در حالی که فعالان حوزه قاچاق با هیچ‌یک از این معضلات مواجه نبودند، ارز مورد نیاز خود را به‌صورت روزانه از بازار آزاد تأمین می‌کنند، کالا را در شبکه توزیع قرار داده و سود خود را بدون هیچ مانعی کسب و ارز را از کف بازار خارج می‌کردند.

خروج صدها میلیون دلار ارز بابت قاچاق و افت ۱۰ درصدی تولید داخل

تاجدار با اشاره به آمارهای پیشین ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز گفت: بر اساس گزارشی که در سال ۱۴۰۱ توسط ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز تنظیم و ارسال شده بود، بابت ورود ۹ میلیارد نخ سیگار قاچاق، حداقل ۴۵۰ میلیون دلار ارز از کشور خارج شد؛ در حالی که کل ارز تخصیص‌یافته به کل صنعت دخانیات رسمی در همان سال برای تولید ۸۰۰ میلیارد نخ سیگار، تنها ۳۰۰ میلیون دلار بود. وی اضافه کرد: از سوی دیگر در سال ۱۴۰۴ به‌دلیل عدم تخصیص به‌موقع و کاهش سهمیه ارزی، شاهد کاهش حدود ۱۰ درصدی تولید نسبت به سال ۱۴۰۳ بودیم و این افت نرخ ارز به‌طور کامل توسط بازار قاچاق جبران شد و چندی‌بار این ارقام، ارز از بازار آزاد خارج و بار سنگین دیگری بر اقتصاد کشور تحمیل کرد.رئیس انجمن تولیدکنندگان، صادرکنندگان و واردکنندگان محصولات دخانی تأکید کرد: در این میان نه دولت از درآمدهای مالیاتی ۷۰ درصدی بهره‌مند شد و نه امکان نظارت استاندارد و بهداشتی بر محصولات قاچاق وجود داشت؛ چراکه مشخص نیست محصولات قاچاق از چه موادی و چگونه تولید شده و قطعاً کالاهایی که از مبادی غیررسمی وارد کشور می‌شوند آسیب به‌مراتب بیشتری به سلامت مصرف‌کنندگان وارد می‌کنند؛ در حالی که خطوط تولید داخلی تحت نظارت مستمر قرار داشته و مرکز برنامه‌ریزی و نظارت بر دخانیات کشور به‌طور مداوم در حال نمونه‌گیری، رصد و کنترل کیفی تولیدات داخلی است و تولیدات داخلی از حیث استانداردهای بهداشتی بی‌شک، آسیب کمتری نسبت به کالای دخانی قاچاق به مصرف‌کننده وارد می‌کنند.

کمبود ۱۲ هزار نیروی اورژانس؛

آسیب ۲ همتی جنگ به

اورژانس پیش‌بیمارستانی

رئیس سازمان اورژانس کشور از کمبود ۱۲ هزار نیروی انسانی در این سازمان خبر داد و گفت: بخشی از این کمبود با اضافه‌کاری جبران می‌شود که موجب فشاردگی کار و فرسودگی کارکنان شده است.

جعفر میعادفر در نشست خبری پنجاه‌ویکمین سالروز تأسیس اورژانس پیش‌بیمارستانی اظهار کرد: سال گذشته ۱۷ میلیون و ۹۲۶ هزار تماس با ۱۱۵ ثبت شد که بیش از ۲ میلیون مورد مشاوره‌ای بود. همچنین ۵ میلیون و ۱۱۲ هزار مأموریت اورژانس انجام و به بیش از ۴ میلیون و ۴۷۷ هزار بیمار خدمت‌رسانی شد.وی با اشاره به وجود ۳ هزار آمبولانس فرسوده گفت: طی دو سال اخیر ۷۵۰ آمبولانس وارد ناوگان شده و قرارداد خرید ۵۰۰ دستگاه دیگر نیز منعقد شده است. میعادفر افزود: اسسال ۳۷۲۱ نیروی جدید جذب شده‌اند و ۵۰۰ نفر دیگر نیز در ماه‌های آینده به مجموعه اضافه می‌شوند. همچنین برای سال آینده پیگیر مجوز استخدام ۵ هزار نفر هستیم.رئیس سازمان اورژانس کشور درباره خسارت‌های جنگ نیز گفت: اورژانس پیش‌بیمارستانی حدود ۲ همت آسیب دید و ۱۲ آمبولانس به‌طور کامل از بین رفت. تعدادی از تجهیزات و پایگاه‌های اورژانس نیز آسیب دیدند که عمدتاً بازسازی شده‌اند.

وی تهران، خوزستان و کرمانشاه را از مناطق دارای بیشترین آسیب اعلام کرد و افزود: در یکی از شهرهای خوزستان بر اثر حمله به یک پتروشیمی حدود هزار مدموم داشتیم که با استفاده از ظرفیت آمبولانس سایر نهادها به آنها خدمات‌رسانی شد.

بلاatkلیفی گواهینامه موتورسیکلت بانوان در دوراهی تفسیر یا اصلاح قانون

صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان همچنان در میان دو دیدگاه حقوقی و اجرایی قرار دارد؛ از یک سو مصوبه هیأت دولت زمینه آموزش و آزمون بانوان را فراهم کرده و از سوی دیگر، برخی حل نهایی این موضوع را منوط به اصلاح تبصره ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی و حذف واژه «مردان» از متن قانون می‌دانند.

موضوع صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان در چند سال گذشته همواره محل بحث‌های حقوقی، اجتماعی و اجرایی بوده است

بحثی که از یک سو با استناد به تبصره ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی و ذکر عبارت «مردان» در متن قانون، مبنای توقف صدور گواهینامه برای زنان قرار گرفت و از سوی دیگر، موافقان بر این باورند که این محدودیت بیش از آنکه ناشی از ممنوعیت صریح قانونی باشد، به شیوه تفسیر و اجرای قانون بازمی‌گردد.

از سوی دیگر، تغییر الگوی زندگی شهری، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و تبدیل موتورسیکلت به وسیله‌ای کاربردی برای جابه‌جایی، ضرورت بازنگری در این رویکرد را پررنگ‌تر کرده است.

بر این اساس، مصوبه هیأت دولت برای فراهم شدن آموزش و آزمون بانوان و نیز پیشنهاد حذف واژه «مردان» از متن قانون در اصلاحات بعدی، دو دیدگاه را در برابر یکدیگر قرار داده است؛

دیدگاهی که بر ضرورت تفسیر و رفع محدودیت‌های اجرایی تأکید دارد و دیدگاهی که حل نهایی موضوع را در اصلاح صریح قانون و بازنگری در تبصره ماده ۲۰ می‌داند.

مصوبه دولت برای صدور گواهینامه بانوان

هیأت دولت در تازه‌ترین تصمیم خود، پلیس راهور فراجا را مجاز کرد با برگزاری دوره‌های آموزش رسمی، نسبت به صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان اقدام کند؛ تصمیمی که به گفته زهرا بهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، به معنای رفع محدودیت اجرایی در این زمینه است و می‌تواند تسلی عملی تازه‌ای از نحوه اجرای تبصره ماده ۲۰ ارائه دهد.

تبصره ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب سال ۱۳۸۹، صراحتاً «صدور گواهینامه موتورسیکلت را برای مردان» برعهده پلیس راهور گذاشته است. همین عبارت، مبنای رویه‌ای شد که در عمل امکان صدور گواهینامه برای زنان را متوقف کرد.

دولت چهاردهم سرانجام هیأت وزیران در جلسه هشتم بهمن ۱۴۰۴ به پیشنهاد معاونت رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی تصویب کرد فرماندهی کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران به منظور صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان، آموزش عملی متقاضیان زن را از طریق مربیان زن و آزمون را نیز با اولویت افسران زن و در صورت کمبود افسران زن، از آزمون‌گیرندگان مرد واجد صلاحیت با رعایت ملاحظات شرعی و نظارت مستقیم پلیس راهور انجام دهد.

همچنین در این مصوبه تصریح شد وزارت صنعت، معدن و تجارت با همکاری سازمان ملی استاندارد ایران، طراحی، تولید و توزیع موتورسیکلت‌های برقی را به همراه ملزومات ایمنی مرتبط از جمله کلاه ایمنی استاندارد، سیستم ترمز ضدقفل ABS و چراغ‌های هشداردهنده و باتزاینده برای استفاده همه شهروندان از اولویت قرار دهد.با این حال، گذشت زمان زیادی از مصوبه دولت، یعنی از هشتم بهمن ۱۴۰۴ تاکنون، هنوز چالش صدور گواهینامه برای بانوان حل نشده و اگرچه وعده‌هایی از سوی مسئولان داده شده، در عمل هنوز اتفاقی نیفتاده است.

«هیچ محدودیت شرعی، حقوقی و قانونی وجود ندارد»

زهرا بهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، ۳۰ تیرماه تأکید کرد: هیچ محدودیت شرعی، حقوقی و قانونی برای صدور گواهینامه موتورسواری بانوان وجود ندارد.

وی افزود: بانوان باید گواهینامه موتورسواری داشته باشند تا به دلیل نداشتن گواهینامه و محرومیت از بیمه، دچار

صدمات مضاعف نشوند.

به همین دلیل دولت در این موضوع ورود کرد و در این امر از جانب مجلس همراهی داشتیم؛ همچنین علما و روحانیون نیز اعلام کردند که این اقدام حرام نیست.

بهروزآذر با بیان اینکه امروز زنانی را داریم که خلبان یا راننده خودروهای سنگین هستند، گفت: موتور هم یک وسیله حمل‌ونقل و وسیله ترافیکی است که مورد استفاده همگان قرار می‌گیرد.

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با بیان اینکه به دلیل وقوع جنگ تحمیلی سوم، صدور گواهینامه



موتورسواری بانوان به وقفه افتاد، گفت: قرار بود در تیرماه مراسم رونمایی از اولین گواهینامه موتورسواری بانوان انجام شود که متأسفانه در این ایام دوباره درگیر جنگ شدید.وی یادآور شد: گاهی مطرح می‌شود که در این خصوص نیاز به اصلاح ماده قانونی است، اما اصلاً این‌طور نیست و برای این امر مصوبه و مقرری داده شده است.

بهروزآذر همچنین در پنجم مردادماه اعلام کرد اقدامات حقوقی و قانونی لازم انجام شده و در حال حاضر مشکلی برای صدور گواهینامه وجود ندارد، اما زمان برگزاری آیین آغاز صدور گواهینامه باید از سوی پلیس راهور و فرماندهی انتظامی اعلام شود. وی گفت دولت منتظر است پلیس در هفته‌های آینده زمان آغاز این فرآیند را مشخص کند.

پیامدهای بلاatkلیفی گواهینامه

از سوی دیگر، جان‌باختن ۱۸ زن موتورسوار فقط در چهار ماه نخست اسما در استان اصفهان و همچنین پرداخت ۱۲ میلیارد تومان به زیان‌دیدگان حوادثی که مقصر آنها بانوان راکب موتورسیکلت بودند، ضرورت ساماندهی موتورسواری بانوان از طریق آموزش، آزمون، صدور گواهینامه، الزام به رعایت استانداردهای ایمنی و فراهم کردن امکان پوشش بیمه‌ای و قانونی را نشان می‌دهد. نرجس ابوالقاسمی، معاون بررسی‌های راهبردی معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، در یادداشتی مسأله موتورسواری زنان را نه یک تابوی اجتماعی، بلکه یک ضرورت زیست‌شهری و چالش حقوقی دانسته که سال‌ها به دلیل تفسیرهای اداری نادرست در بلاatkلیفی باقی مانده است.

وی با اشاره به تغییرات اقتصادی، افزایش هزینه‌های خودرو و ترافیک کلان‌شهرها، موتورسیکلت را از ابزاری صرفاً «مردانه» به وسیله‌ای ضروری برای حمل‌ونقل تبدیل‌شده دانسته و معتقد است نگاه سنتی، زن را در جایگاه «سرنشین» می‌پذیرد اما از کسب مهارت و گواهینامه برای «کنترل وسیله» منع می‌کند؛ رویکردی که به گفته او فاقد منطق ایمنی و کارشناسی است.

پلیس: منتظر ابلاغ رسمی هستیم
در مقابل، پلیس راهور فراجا اعلام کرده است صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان منوط به اصلاح برخی قوانین و دستورالعمل‌هاست و پلیس آماده اجرای آن پس از ابلاغ رسمی است.

پلیس تأکید کرده موضوع گواهینامه بانوان در دستور کار قرار دارد و تابع قوانین و مقررات کشور است و هر زمان ابلاغیه رسمی مراجع ذی‌صلاح برسد، امکان صدور

معاون وزیر راه و شهرسازی :

بلاatkلیفی گواهینامه موتورسیکلت بانوان در دوراهی تفسیر یا اصلاح قانون

گواهینامه برای بانوان را خواهد داشت.

طبق تبصره ماده ۲۰ قانون رانندگی، مرجع صدور گواهینامه موتورسیکلت برای مردان نیروی انتظامی است و هرگونه تغییر در این زمینه، از نظر پلیس، نیازمند اصلاح قانونی و ابلاغ رسمی است.

پیشنهاد حذف واژه «مردان» از قانون

عین‌الله جهانی، معاون پیشین پلیس راهور فراجا و کارشناس دادگستری، گفته است موضوع موتورسیکلت‌سواری بانوان امروز به یک مطالبه اجتماعی و نیاز تبدیل شده و مقررات نباید نسبت به نیازی که در جامعه شکل گرفته، بی‌تفاوت باشد.

وی با اشاره به اینکه یک موتورسوار زن ممکن است در تصادف مقصر نباشد اما به دلیل نداشتن گواهینامه از برخی حقوق و مزایای قانونی خود محروم شود، گفت: پلیس راهنمایی و رانندگی همواره در انتظار تصویب قانون و ابلاغ آن از مسیر سلسله‌مراتب رسمی است.

جهانی با اشاره به بازنگری آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی گفت: یکی از موضوعات مورد بررسی در این فرآیند، صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان بوده است. وی ادامه داد: تا پیش از سال ۱۳۸۹، در مقررات مربوط به ثبت‌نام و صدور گواهینامه رانندگی، تمایزی میان زن و مرد وجود نداشت و شرایطی مانند سن، سلامت جسمی و روانی، قیولی در آزمون آیین‌نامه و کسب مهارت

عملی مطرح بود.

این کارشناس دادگستری افزود: در سال ۱۳۸۹ عبارت «صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت برای مردان با نیروی انتظامی» به ماده ۲۰ اضافه شد و به این ترتیب یک مرز در مقررات ایجاد شد.

وی گفت: به نظر من برای حل این مسأله کافی است در اصلاحات بعدی، کلمه «مردان» از این ماده حذف شود و لزوماً نیازی نیست عبارت «بانوان» نیز به آن اضافه شود.

معاونت امور زنان: نیازی به اصلاح قانون نیست

نعمیه ذوالفقاری، مشاور حقوقی معاونت رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده نیز گفت: بررسی حقوقی صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان نشان داد عبارت «مردان» در تبصره ماده ۲۰ لزوماً مفهوم مخالف ندارد و با وجود صلاحیت عام پلیس برای صدور گواهینامه، نیازی به اصلاح قانون نیست.

وی افزود: از معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری درباره این موضوع استعلام شد و در پاسخ اعلام شد عبارت مورد اشاره لزوماً مفهوم مخالف ندارد و با توجه به وجود قاعده عام درباره مرجع صدور گواهینامه، ضرورتی برای اصلاح قانون وجود ندارد.بر این اساس، پیشنهاد اصلاح قانون از دستور کار خارج و به جای آن، ایجاد سازوکار اجرایی مورد توجه قرار گرفت.

ذوالفقاری گفت: از نظر این بررسی‌ها، حکم صریحی که صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان را ممنوع کند، وجود ندارد و اگر چنین منع قانونی با شرعی وجود داشت، سازوکار اجرایی تصویب‌شده در بهمن‌ماه نیز نمی‌توانست مورد تأیید مراجع ذی‌صلاح قرار گیرد. وی با بیان اینکه موضوع اکنون از مرحله بررسی قانونی به مرحله اجرا رسیده است، افزود: ممکن است در اجرای این موضوع با مشکلاتی مانند نبود آموزشگاه‌های مجهز، کمبود مربیان زن یا آزمون‌گیرندگان زن مواجه باشیم که باید برای آنها راهکار اجرایی پیدا کرد. در نهایت، موضوع گواهینامه موتورسیکلت بانوان همچنان در نقطه اختلاف میان تفسیر حقوقی و رویه اجرایی قرار دارد؛ در حالی که دولت و برخی کارشناسان بر نبود منع صریح قانونی و امکان اجرای مصوبه تأکید دارند، پلیس راهور همچنان بر ضرورت اصلاح قوانین و دریافت ابلاغ رسمی تأکید می‌کند.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه رانندگی بدون گواهینامه طبق ماده ۷۲۳ قانون مجازات اسلامی جرم محسوب می‌شود، ادامه این بلاatkلیفی می‌تواند بانوان موتورسوار را در صورت وقوع تصادف با مشکلات حقوقی و بیمه‌ای مواجه کند.

قدرت خرید مسکن کم شده است، سرمایه‌گذاران هم از بازار ساختمان عقب نشستند

آماده‌سازی و تأمین زیرساخت‌ها به‌تفاهلی مشکل مسکن را حل نمی‌کند، گفت: زمین تنها یکی از ابزارهای سیاست مسکن است و درآمد خانوار، تأمین مالی ساخت و زیرساخت‌ها نیز باید همزمان مورد توجه قرار گیرد.

سهم اصلی عرضه مسکن با بخش خصوصی است

طاهرخانی با اشاره به نقش بخش خصوصی اظهار کرد: حتی در اوج اجرای طرح‌های حمایتی، دولت بیش از حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد کل عرضه مسکن را بر عهده نگرفته است

بنابراین فعال شدن بخش خصوصی و رفع موانع این بخش ضروری است.

وی همچنین بر تنوع الگوهای تأمین مسکن و توجه به شرایط مالی تأکید کرد و گفت نمی‌توان برای همه مناطق کشور یک نسخه واحد ارائه کرد؛ در برخی مناطق مالکیت، در برخی اجاره‌نشینی و در برخی دیگر واگذاری زمین یا الگوهای مشارکتی می‌تواند راهکار مناسب باشد.

حمایت از دهک‌های پایین برای تأمین آورده

معاون وزیر راه و شهرسازی درباره تأمین خانوارهای کم‌درآمد در تأمین آورده نیز گفت: یکی از گلوگاه‌های اصلی پروژه‌های مسکن، ناتوانی دهک‌های پایین در پرداخت سهم خود بوده است. بر این اساس، دولت تصمیم گرفته با استفاده از مولدسازی اراضی و املاک، سهم آورده متقاضیان دهک‌های یک تا چهار را تأمین کند.

وی افزود: پرداخت این تسهیلات در سراسر کشور آغاز شده و در قالب مبالغ قرض‌الحسنه با بازپرداخت ۱۰ تا ۱۵ ساله پس از تحویل واحد در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد

روایتی از شوک‌های خارجی تا کسری بودجه؛ تورم ایران از کجا آب می‌خورد؟



تورم در اقتصاد ایران تنها حاصل یک عامل نیست؛ از فشار تحریم و شوک‌های ارزی گرفته تا کسری بودجه، سیاست‌های پولی و مالی و شکل‌گیری انتظارات تورمی. مجموعه‌ای از عوامل در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. در این میان، روایت بانک مرکزی بیشتر بر مدیریت شوک‌های بیرونی و مهار رشد نقدینگی متمرکز است، در حالی که کارشناسان، ریشه مسئله را بیشتر در ساختار بودجه و شیوه تأمین مالی دولت‌ها جست‌وجو می‌کنند. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که تورم در اقتصاد ایران پدیده‌ای نیست که بتوان آن را صرفاً به افزایش قیمت یک کالا، رشد نرخ ارز یا حتی افزایش نقدینگی نسبت داد. افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌ها طی سال‌های گذشته، حاصل مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی است؛ عواملی که برخی به ساختار اقتصاد بازمی‌گردند و برخی دیگر در نتیجه تحریم‌ها، تنش‌های ژئوپلیتیکی و محدودیت‌های ارزی تشدید می‌شوند.عبدالنصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی، بخش مهمی از نوسانات اقتصادی را ناشی از فشارهای خارجی، تحریم‌ها و ریسک‌های ژئوپلیتیکی می‌داند؛ عواملی که از نگاه او با نتگن‌های تراز پرداخت‌ها و ریسک‌های بودجه‌ای در داخل کشور تلاقی پیدا می‌کنند.به گزارش ایسنا، در این روایت، اقتصاد ایران ابتدا با یک شوک اولیه یک شوک خارجی می‌شود و سپس این شوک از مسیرهایی مانند نرخ ارز، هزینه واردات و انتظارات تورمی به اقتصاد داخلی منتقل می‌شود.اما کارشناسان می‌گویند حتی اگر منشأ اولیه یک شوک خارجی باشد، نحوه واکنش اقتصاد داخلی تعیین می‌کند که اثر آن کوتاه‌مدت باقی بماند یا به تورمی پایدار تبدیل شود. به همین دلیل همتی بر این نکته تأکید دارد که بانک مرکزی نمی‌تواند در برابر انتقال شوک‌های خارجی به اقتصاد منفعل باشد. از این منظر، انضباط پولی، کنترل موتورهای تورم‌زا، محدود کردن رشد ترازنامه بانک‌ها و جلوگیری از تبدیل کسری بودجه دولت به پول جدید، از مهم‌ترین ابزارهای مقابله با تورم است.این بخش از روایت بانک مرکزی به رابطه میان کسری بودجه، نظام بانکی و خلق پول اشاره دارد؛ زمانی که دولت با کُشاف میان درآمدها و هزینه‌های خود مواجه می‌شود، نحوه تأمین این کسری اهمیت زیادی پیدا می‌کند. با این حال، رئیس‌راغفر، اقتصاددان نهادگرا، نقطه شروع تحلیل خود را متفاوت از رئیس‌کل بانک مرکزی قرار می‌دهد در نگاه او، ریشه اصلی تورم ایران را باید در کسری بودجه دولت‌ها جست‌وجو کرد؛ مشکلی که طی دهه‌های گذشته با افزایش نرخ ارز و قیمت حامل‌های انرژی نیز پیوند خورده است.از دیدگاه راغفر، تخصیص پول ملی در دوره‌های مختلف به یکی از ابزارهای جریان کسری‌های دولت تبدیل شده و همین تکرار این پیام را به فعالان اقتصادی و مردم داده است. در چنین شرایطی، انتظارات تورمی به عاملی برای تشدید تورم تبدیل می‌شود. مردمی که انتظار افزایش نرخ ارز، قیمت کالاها و هزینه‌های تولید را دارند، رفتار اقتصادی خود را بر اساس همین انتظار تنظیم می‌کنند. تقاضا برای دارایی‌هایی مانند ارز و طلا افزایش می‌یابد، تولیدکننده قیمت آینده نهاده‌ها را در قیمت امروز لحاظ می‌کند و مصرف‌کننده نیز ممکن است خرید خود را جلو بیندازد. در نتیجه، انتظاری که در ابتدا محصول تورم بوده، به عاملی برای بازتولید آن تبدیل می‌شود.

راغفر معتقد است نمی‌توان نقش ساختارهای داخلی، به‌ویژه کسری بودجه و شیوه‌های تأمین مالی دولت را نادیده گرفت؛ زیرا تکرار این سیاست‌ها به شکل‌گیری انتظارات تورمی در جامعه منجر شده است.در واقع، این دو نگاه همتی و راغفر لزوماً یکدیگر را نفی نمی‌کنند. تحریم و شوک خارجی می‌تواند جرقه افزایش نرخ ارز و قیمت‌ها باشد، اما اینکه این جرقه به تورم پایدار تبدیل شود، تا حد زیادی به وضعیت مالی دولت، سیاست پولی، نظام بانکی و اعتماد مردم به سیاستگذار بستگی دارد.از همین منظر، مهار تورم صرفاً با کنترل یک متغیر امکان‌پذیر نیست. بانک مرکزی می‌تواند رشد ترازنامه بانک‌ها را محدود کند و از پولی شدن کسری بودجه جلوگیری کند، اما سیاست پولی به تنهایی قادر به لنگرسازی انتظارات نیست. سیاست مالی دولت، سیاست تجاری، قیمت‌گذاری‌های دستوری و تصمیمات ساختاری نیز مستقیماً بر تورم و نرخ ارز اثر می‌گذارند.

معاون آموزشی وزارت بهداشت :

فروش صندلی پزشکی را

انکار نمی‌کنم؛ تعهدی در قبال

فریب‌خوردگان نداریم

معاون آموزشی وزارت بهداشت با هشدار نسبت به فعالیت کلاهبردان در زمینه «فروش صندلی» و پذیرش تضمینی پزشکی و دندانپزشکی گفت: هیچ دانشگاهی هیچ سهمیه‌ای به شرکت، مؤسسه یا فردی برای پذیرش بدون کنکور ن داده و ادعاهای مربوط به سهمیه وزارت بهداشت یا قرارداد با دانشگاه‌ها فریب است.

طاهره چنگیزی افزود: باندهای کلاهبرداری با عنوان پذیرش تضمینی پزشکی و دندانپزشکی فعالیت می‌کنند و با مبالغی تا ۱۱ میلیارد تومان مطالبه می‌کنند که موضوع از سوی وزارت بهداشت و پلیس فتا در حال پیگیری است.

وی درباره وعده انتقال دانشجویان از دانشگاه‌های خارجی به داخل کشور نیز گفت: این انتقال هیچ مسیر تضمین‌شده‌ای ندارد و حتی در صورت تأیید دانشگاه خارجی، متقاضی باید دست‌کم ۷۲ واحد بگذراند و در آزمون شرکت کند؛ تنها درصد شرکت‌کنندگان امکان انتقال به داخل را دارند.

چنگیزی تأکید کرد: خانواده‌ها نباید خرید و فروش صندلی پزشکی را قانونی یا مرسوم بدانند و اگر کسی وعده پذیرش تضمینی یا استفاده از سهمیه وزارت بهداشت را می‌دهد، فریبکار است.وی با بیان اینکه برخی خانواده‌ها با این وعده‌ها متحمل خسارت‌های سنگین شده‌اند، از پیگیری جدی پرونده این کلاهبرداران خبر داد.

کیلان

در نشست ی مطرح شد

کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین؛ از سهم ۲۰ درصدی ایران تا اپک گازی

نشست بررسی لایحه کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین در اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان گیلان برگزار شد. مسعود یحیی‌زاده دوشنبه ۲۳ شهریور در نشست علمی نشست رسی لایحه کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین، یکی از مویریت‌های اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری را مشارکت در تصمیمات تقنینی کشور دانست و اظهار کرد: لایحه کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین به مجلس شورای اسلامی ارائه شده و در مرحله تصویب است، اما این موضوع، مورد مناقشه فضای کارشناسی و نتخبگانی قرار دارد.

وی با اشاره به اهمیت پرداختن به موضوع رژیم حقوقی دریای کاسپین، به‌ویژه در جریان جنگ تحمیلی و محاصره دریایی جنوب کشور، افزود: در شرایط فعلی، دریای شمال و حوزه اوراسیا اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده و لذا باید گفتمان شکل گرفته در این رابطه را در فضای عمومی و کارشناسی کشور شفاف کنیم تا مسیر سوءاستفاده معاندین و بدخواهان نظام مسدود شود. مدیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری گیلان همچنین بیان کرد: از آنجایی که گیلان یک استان ساحلی در کنار دریای خزر است؛ همانگونه که اندیشکده در امر اجرای سیاست‌های دریامحور، سند نقشه راه تهیه کرد، در این زمینه نیز مسئولیت دارد نظرات خبرگان مربوطه در استان را به اطلاع مرکز پژوهش‌های مجلس برساند و لذا برای جمع‌آوری نظرات کارشناسی پیرامون کنوانسیون مذکور آماده‌ام.

محیط زیست؛ خط قرمز دریای کاسپین

عضو هیئت علمی گروه سیاسی دانشگاه گیلان و رئیس کارگروه سیاسی و شوراهای اندیشکده نیز، با تأکید بر لزوم به نتیجه رسیدن کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین و توجه به منافع ملی، اضافه کرد: موضوع کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین پیش از نگاه علمی و تخصصی، در فضای مجازی و رسانه‌ای مطرح و موجب تمارضات و مسائل و مطالبات جریان‌های سیاسی شد.

مهدی هدایتی شهیدانی کنوانسیون مذکور را یک موضوع مهم ملی و منطقه‌ای دانست و افزود: انتظار فراتری از فضاهای دانشگاهی و نهادهای تخصصی وجود دارد که تا با تبیین معایب و مزایای این معاهده، به قانونگذاری کمک کنند.

رئیس کارگروه سیاسی و شوراهای اندیشکده حکمرانی گیلان، با بیان اینکه استان‌های شمالی بیشترین قربایت را با دریای کاسپین و نهایتا رژیم حقوقی آن دارند، تأکید کرد: این کنوانسیون در سال ۲۰۱۸ تصویب شده و جمهوری اسلامی ایران تنها کشور از پنج کشور همسایه دریای کاسپین است که هنوز آن را امضا نکرده، زیرا نیاز به بر ارتقا و ترمیم و تأمل بیشتر دارد و نباید در کوران حوادث اخیر، مورد غفلت واقع شود.

هدایتی یکی از ایرادات منتقدان کنوانسیون فعلی را در تعیین‌نکردن ضمانت‌های حقوقی دانست و بیان کرد: در این معاهده، باید به مرجع حل و فصل اختلافات اشاره شود. البته محیط زیست دریای کاسپین به درستی به‌عنوان خط قرمز تلقی شده است. استحصال منابع انرژی و تحقیق بر روی گونه‌های جدید آبیزی، چیزی جز تهدید برای محیط زیست دریای کاسپین نیست. وی با بیان اینکه حق شرط، جلوی تفسیرهای متکثر از کنوانسیون را می‌گیرد، اضافه کرد: اصلاح کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین قبل از تصویب آن، باید مورد تأیید همه نتخبگان قرار گیرد.

سهم ایران در دریای کاسپین مشخص نیست

عضو هیئت علمی روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی رشت نیز در ادامه، با بیان اینکه موضوع کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین اخیرا به فضای رسانه‌ای وارد شده است، تصریح کرد: این موضوع مرتبط با حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل است و اساتید و صاحب‌نظران این حوزه‌ها باید دست به تبیین موضوع بزنند تا دچار خطای ژئوپلیتیکی نشوم.

مجید روحی با اشاره به تعیین تکلیف مسائل بستر و زیر بستر دریای کاسپین در کنوانسیون مذکور، ادامه داد: موافقان امضای این کنوانسیون، بر زیان ایران از این خلا حقوقی تأکید دارند و پس از هشت سال وقفه، خواهان تعیین تکلیف آن هستند، اما مخالفان، درباره برخی از مفاد کنوانسیون، ابراز نگرانی می‌کنند.

این مدرس دانشگاه با بیان اینکه دریای کاسپین مربوط به کشورهای حاشیه دریاست و کشورهای فرامنطقه‌ای حق حضور نظامی در آن را ندارند، افزود: امروز که با تحریم‌های گسترده و محاصره دریایی مواجهیم، باید از ظرفیت اقتصادی دریای کاسپین استفاده کنیم، اما هنوز سهم ایران از این دریا مشخص نشده است. روحی با اشاره به مذاکرات دوجانبه و چندجانبه ایران با آذربایجان و ترکمنستان برای امضای کنوانسیون، گفت: دریای کاسپین یک دریای بسته با وضعیت خاص است و لذا ۱۵ مایل دریایی سرزمینی و ۱۰ مایل اقتصادی را برای ایران تعریف کرده‌اند؛ این در حالی است که آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان از بستر و زیر بستر (فلات قاره) برای استخراج نفت و گاز استفاده می‌کنند و عملا به هاب انرژی تبدیل شده‌اند و ایران هیچ بهره‌ای از این مویت نبرده است.

وی سابقه تاریخی بهره‌برداری ایران و شوروی از دریای کاسپین را مساری دانست و تأکید کرد: برای تأمین منافع ملی باید سهم ۲۰ درصدی ایران در دریای کاسپین به رسمیت شناخته شود. عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد رشت، خواستار تعیین سهم بستر و زیر بستر دریای کاسپین برای تصویب این معاهده توسط ایران شد و بیان کرد: قبل از تصویب، باید حق شرط را مطرح کنیم تا منافع ملی ایران تأمین شود. **خط متساوی‌الافاصله از کنوانسیون حذف شد**

استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان نیز با اشاره به اینکه دریای کاسپین یک دریچه است، تصریح کرد: در دریای طبیعی بدون دخالت انسان به آب‌های آزاد دسترسی دارد، اما دریای کاسپین چنین نیست و لذا باید از رژیم حقوقی منحصر به فرد با کشورهای مقابل و مجاور برخوردار شود. مهین سبحانی با بیان اینکه دریا از خشکی تبعیت می‌کند، افزود: هرچقدر طول ساحل بیشتری داشته باشیم، سهم ما در دریا بیشتر است و لذا معاهدات گلستان و ترکمنچای موجب شد بسیاری از شهرهای ساحلی دریای کاسپین را از دست بدهیم و اکنون با طول تقریبی ساحل ۸۲۰ کیلومتری مواجهیم. این مدرس دانشگاه، کل طول ساحل دریای کاسپین را حدود شش هزار و ۳۷۹ کیلومتر دانست و افزود: خط قرمز ایران را تصویب کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین خط متساوی‌الفاصله است، زیرا در این صورت، بسیاری از منافع ایران، از بین می‌رود؛ مبنای تقسیم مالکیت باید مبتنی بر انصاف (طول ساحل) باشد. سبحانی با اشاره به اینکه قزاقستان، ایران، روسیه، ترکمنستان و آذربایجان به ترتیب بیشترین طول ساحل را دارند، تأکید کرد: با مخالفت ایران، خط متساوی‌الفاصله از کنوانسیون حذف شد؛ همچنین در حق شرط باید دیوان بین‌المللی دادگستری را به‌عنوان مرجع حل اختلاف، به کنوانسیون وارد کنیم.

جایگاه ایران در جاده ابریشم باید حفظ شود

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه گیلان نیز در این نشست، با اشاره به اهمیت پیدا کردن موضوع دریای کاسپین و حوزه اوراسیا پس از بحران‌های جنوب کشور، یادآور شد: امروز باید به کردیروهای انرژی و تجاری در دریای کاسپین توجه کنیم؛ این به کردیروها بدون در نظر گرفتن ایران در حال فعال شدن است و باید حق مالکیت ایران را تثبیت کنیم تا محاصره اقتصادی ایران با فعالیت این کردیورها رخ ندهد.

بزرگداشت هفته فرهنگی آستانه اشرفیه، فرصت تقویت نشاط اجتماعی است

فرماندار آستانه اشرفیه، بزرگداشت هفته فرهنگی آستانه اشرفیه را فرصت تقویت نشاط اجتماعی دانست و گفت: در هفته فرهنگی آستانه اشرفیه، شاهد وحدت و همدلی مردمیم. رحمت حیدری‌نژاد در نشست تشریح برنامه‌های هفته فرهنگی آستانه اشرفیه، اظهار کرد: ۲۱ لغایت ۲۷ شهریور، هفته فرهنگی آستانه اشرفیه نامگذاری شده است.

وی «آستانه اشرفیه، میراث فرهنگی و آینده‌سازان»، «آستانه اشرفیه و هویت مذهبی»، «آستانه اشرفیه و دفاع مقدس»، «آستانه اشرفیه و غذاهای محلی»، «آستانه اشرفیه و ورزش»، «آستانه اشرفیه، فرهنگ و مفاخر» و «آستانه اشرفیه و محصولات کشاورزی» را روزشمار این هفته دانست و افزود: اجرای برنامه‌های هنری دانش آموزی، برگزاری جشنواره غذاهای محلی، برگزاری موزه کشاورزی و نوغانداری، برگزاری جشنواره‌های بومی و محلی، برگزاری جشن عطر برنج و طعم بادام زمینی و برگزاری مسابقه نهایی مینی‌فوتبال استان گیلان از جمله برنامه‌های این هفته است.

فرماندار آستانه اشرفیه با بیان اینکه مراسم گرامیداشت استاد معین برگزار می‌شود، گفت: برگزاری مراسم نمادین جشن تولد شهیده سیده محیا صدیقی صابر (از شهدای جنگ دوازده‌روزه)، مراسم گرامیداشت شهدای آستانه اشرفیه در عملیات محرم و مراسم تجلیل از الهه پورصالح (بازیکن تیم ملی والیبال) نیز از دیگر برنامه‌هاست.

حیدری‌نژاد هدف از برگزاری این برنامه‌ها و جشنواره‌ها را تزریق شور و نشاط اجتماعی در شرایط جنگ تحمیلی دانست و اضافه کرد: شاهد نمایش وحدت و همدلی و



را نشان دادیم و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی استکبار را ثابت کردیم.

فرماندار آستانه اشرفیه با بیان اینکه طی یک سال و نیم اخیر، دو هزار و ۳۲۷ میلیارد تومان پروژه عمرانی در بخش‌های مختلف شهرستان به بهره‌برداری رسیده است، یادآور شد:

مدیرکل امور بانوان استان مطرح کرد

فرماندار: فرصت تقویت نشاط اجتماعی است

۱۸۶ میلیارد تومان در بخش نهضت ملی مسکن و ۲۰۷ میلیارد تومان در بخش آب و فاضلاب آستانه اشرفیه و بندر کیشهر هزینه شده؛ در بخش برق و اصلاح شبکه نیز شاهد هزینه‌کرد ۱۴۷ میلیارد تومانی برای نصب ۸۷ ترانس و ۹۶ کیلومتر کابل خودنگهداریم.

وی با اشاره به اقدامات بنیاد مسکن در حوزه تسهیلات مسکن روستایی و آسفالت معابر و طرح هادی، اضافه کرد: ۲۳۳ میلیارد تومان برای اجرا و بازنگری طرح‌های هادی و ۲۲.۵ کیلومتر آسفالت و صدور هزار و ۲۵ جلد سند روستایی در شهرستان هزینه شده است.

حیدری‌نژاد از مرمت و روکش آسفالت و زیرسازی آسفالت راه‌های روستایی و نصب سرعتکاه و تعریض شانه‌های خاکی شهرستان با اعتبار ۶۶ میلیارد تومان توسط اداره راهداری خبر داد و بیان کرد: شهرداری آستانه اشرفیه بیش از ۲۱۷ میلیارد تومان و شهرداری بندرکیشهر، ۱۲۱ میلیارد تومان در بخش مدیریت شهری شامل آسفالت و لوله‌گذاری و نصب روشنایی و غیره هزینه کرده است.

فرماندار آستانه اشرفیه این شهرستان را دارای ۲۴ هزار هکتار شالیزار دانست و یادآور شد: طرح تجهیز و یکپارچه‌سازی ۱۹۱ هکتار شالیزار توسط جهاد کشاورزی انجام شد؛ در بخش آب منطقه‌ای نیز با اعتبار ۲۶۲ میلیارد تومانی، شاهد رونق تولید برنج بودیم.وی از هزینه‌کرد ۶۰۰ میلیارد تومانی در شهرک صنعتی شهرستان با محوریت تولید برق خبر داد و تأکید کرد: ۱۴۰ میلیارد تومان برای اشتغال و سرمایه‌گذاری، ۶ میلیارد تومان برای فرهنگ و هنر و هفت میلیارد تومان برای میراث فرهنگی هزینه شده است.

مشارکت کنند.

وی خاطرنشان کرد: این رویداد در هفت بخش شامل رسانه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌ها و موسسات خصوصی، مدیران، نتخبگان و خانواده‌ها برگزار می‌شود و متقاضیان می‌توانند با توجه به حوزه فعالیت، جایگاه و عملکرد خود، در بخش مرتبط ثبت‌نام کنند.

مدیرکل امور بانوان گیلان در ادامه یادآور شد: علاقه‌مندان برای شرکت در چهارمین رویداد جایزه ملی جوانی جمعیت می‌توانند با مراجعه به وبگاه ستاد ملی جمعیت به آدرس smj.iripo.ir یا کلیک بر روی لینک ثبت نام ضمن تکمیل فرم مربوط به بخش مورد نظر، نسبت به ثبت‌نام و ارائه اطلاعات و مستندات اقدام کنند. همچنین سایر اخبار و اطلاعات درباره چهارمین رویداد جایزه ملی جوانی جمعیت در شبکه‌های اجتماعی دبیرخانه ستاد ملی جمعیت به آدرس @setad_melli_jamiat در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

وی با اشاره به تشکیل ستاد استانی خانواده و جوانی جمعیت و راه‌اندازی اتاق رصد جمعیت گیلان، تصریح کرد: این ستاد، پیگیر حسن اجرای تکالیف قانونی دستگاه‌های عضو است.

دبیر هیات عالی گزیش کشور:

سالانه حدود ۵۰۰ هزار پرونده رسیدگی می‌شود

است تا آنان بدانند که خارج از این کتاب پررسی مطرح نمی‌شود.

دبیر هیات عالی گزیش کشور ادامه داد: با وجود این کتاب، همکاران ما یک معیار عملی دارند که این امر باعث



می‌شود تا پرسش‌های سلیقه‌ای تا حد امکان کاهش یابد و از سوی دیگر سئوالات بر مبنای این کتابچه پرسیده خواهد شد که این امر دستاوردی برای نهاد گزیش کشور است که مبتنی بر مولفه مشخصی سئالات اعتقاداتی را پیرسند و وارد حریم خصوصی، حریم بی ارتباط به امر و مسائل

اجرای پروژه‌های آبخیزداری در حوزه‌های منتهی به تالاب انزلی

را در مسیر آبراه‌های اصلی و فرعی ایجاد کردیم. شکوری با تأکید بر لزوم مقابله با سیل‌خیزی رودخانه‌ها، اضافه کرد: پروژه‌های آبخیزداری، زمان تمرکز بارندگی را افزایش می‌دهد تا به جای ایجاد سیل و رسوب، سرفره‌های زیرزمینی را تقویت کند.

وی کلیه حوضه‌های آبخیزداری و رودخانه‌ها و مناطق سیل‌خیز استان را در اولویت مطالعات آبخیزداری دانست و گفت: با توجه به دوره بازگشت سیل ۲۵ ساله و ۵۰ ساله، ماسوله‌رودخان و پسیخان از جمله حوضه‌های آبخیز خطرپذیر استان هستند همچنین تالاب انزلی در پایین‌دست آنها قرار دارد.

معاون آبخیزداری گیلان هرگونه تصرف و تخریب اراضی ملی و ایجاد سازه‌های نامتعارف را موجب از بین رفتن پوشش گیاهی و نهایتا تخریب خاک و فرسایش دانست و متذکر شد: عملیات بیولوژیکی در عرصه‌های فاقد پوشش با جنگل‌کاری و بذرپاشی دانه‌های مرئی، جلوی فرسایش خاک را می‌گیرد.

سلامت

میوه‌های مفید برای سلامت کلیه را بشناسیم

داشتن رژیم غذایی سرشار از آنتی‌اکسیدان‌ها، ویتامین‌ها و سایر مواد مغذی می‌تواند به ارتقای سلامت کلیه کمک کند. میوه‌های مفید برای سلامت کلیه را بشناسیم به نقل از مدیسن نت، اگر به بیماری کلیوی مبتلا هستید، گنجانندن انواع میوه‌ها در رژیم غذایی می‌تواند مفید باشد، مشروط بر اینکه حاوی مقادیر بیش‌ازحد پتاسیم و فسفر نباشند.

اگر می‌خواهید بدانید کدام میوه برای سلامت کلیه بهترین است، گزینه‌های زیر برجسته هستند زیرا به کاهش التهاب و حمایت از عملکرد کلی کلیه‌ها کمک می‌کنند، بدون آنکه بدن را به مواد معدنی‌ای که دفع آنها برای کلیه‌های آسیب‌دیده

دشوار است، بیش‌ازحد درگیر کنند. با این حال، «بهترین میوه برای سلامت کلیه» ممکن است بسته به شرایط جسمانی هر فرد متفاوت باشد؛ بنابراین مشورت با پزشک یا متخصص تغذیه برای دریافت راهنمایی‌های اختصاصی و متناسب با وضعیت شما اهمیت دارد.

اگر به بیماری شدید کلیوی مبتلا هستید یا دیالیز می‌شوید، باید توصیه‌های غذایی پزشک خود را به‌دقت رعایت کنید. مهم ترین میوه های مفید برای سلامت کلیه ها

۱.فوترنگی

حاوی دو نوع ترکیب فنولی (آنتوسیانین‌ها و الاژتائین‌ها) است که عملکرد کلیه را بهبود می‌بخشند.

سرشار از آنتی‌اکسیدان‌هایی است که به محافظت از بدن در برابر آسیب‌های اکسیداتیو کمک می‌کنند.

منبعی عالی برای ویتامین C، منگنز و فیبر محسوب می‌شود. دارای خواص ضدسرطانی و ضدالتهابی است که به ارتقای سلامت کلی بدن کمک می‌کند.

۲.گرن‌بری

سرشار از خواص ضدالتهابی و ضدباکتریایی است که برای افراد مبتلا به بیماری‌های کلیوی یا عفونت‌های دستگاه ادراری مفید است.

۳.بلوبری

یک پیمانه بلوبری حاوی ۱۱۴ میلی‌گرم پتاسیم و ۱۸ میلی‌گرم فسفر است؛ این ویژگی آن را به انتخابی عالی در میان میوه‌های کم‌پتاسیم و یکی از بهترین میوه‌ها برای سلامت کلیه تبدیل می‌کند.

سرشار از آنتی‌اکسیدان‌ها و مواد مغذی گیاهی به نام آنتوسیانیدین‌است که التهاب را کاهش داده و به سلامت کلیه‌ها کمک می‌کنند.

منبع خوبی برای ویتامین C و منگنز است که از سلامت استخوان‌ها و پوست حمایت کرده و به کاهش علائم پیری کمک می‌کنند.

انواع توت، به‌ویژه بلوبری، از جمله میوه‌های مفید برای سلامت کلیه و کبد هستند؛ زیرا حاوی پلی‌فنول‌هایی هستند که به محافظت از کبد و بهبود عملکرد کلی اندام‌های بدن کمک می‌کنند.

۴.تمشک

سرشار از مواد مغذی گیاهی موسوم به «اسید الاژیک» است که به خنثی‌سازی رادیکال‌های آزاد در بدن و جلوگیری از آسیب سلولی کمک می‌کنند.

حاوی فلاونوئیدهایی است که برای بهبود عملکرد کلیه مفید بوده و می‌توانند رشد سلول‌های سرطانی را کاهش دهند. منبعی عالی از منگنز، ویتامین‌های B و C، فیبر و فولات است.

۵. سیب

یک عدد سیب متوسط حاوی ۱۹۵ میلی‌گرم پتاسیم و ۲۰ میلی‌گرم فسفر است.

ممکن است به کاهش سطح کلسترول و قند خون و همچنین رفع یبوست کمک کند.

خواص ضدالتهابی و محتوای بالای فیبر آن به بهبود عملکرد کلیه کمک می‌کند.

۶.انگور

یک پیمانه انگور حاوی ۲۸۸ میلی‌گرم پتاسیم و ۳۰ میلی‌گرم فسفر است.

منبع خوبی از ویتامین‌های C و K است (کمبود این ویتامین‌ها با بیماری کلیوی مرتبط است).

فیبر بالایی دارد و حاوی مقادیر کمی از مواد معدنی مانند

مس، منگنز و منیزیم است.

انگور و آب انگور جزو مواد غذایی کم‌پتاسیم محسوب

می‌شوند و به همین دلیل میوه‌ای مناسب برای سلامت کلیه هستند.

۷.آناناس

گزینه‌ای غذایی با پتاسیم پایین که به کاهش فشار خون کمک می‌کند؛ فشار خون بالا یکی از عوارض شایع بیماری‌های شدید کلیوی است.

حاوی بروملین (آنزیم گوارشی) است که به حل شدن سنگ‌های کلیه در بدن کمک می‌کند. آناناس خاصیت ادرارآوری دارد و به دفع مواد زائد بدن، از جمله کراتینین، کمک می‌کند؛ از این رو، انتخابی عالی برای کسانی است که

به دنبال میوه‌ای مناسب برای مدیریت سطح کراتینین کلیه هستند.

فیبر بالایی دارد و از سلامت قلب حمایت می‌کند (مشکلات قلبی در افراد تحت دیالیز شایع است).

منبع خوبی برای تأمین ویتامین C است که به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک می‌کند.

۸. لیمو

هرچه میزان ویتامین C در رژیم غذایی شما بیشتر باشد، برای کلیه‌هایتان مفیدتر است. لیمو سرشار از ویتامین C هستند. مصرف روزانه آب‌لیموی رقیق‌شده ممکن است به کاهش خطر تشکیل سنگ کلیه کمک کند.

از جمله میوه‌های دیگری که ممکن است برای ارتقای سلامت کلیه توصیه شوند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: گلابی، هلو، شلیل، نارنگی، آلو، هندوانه و گilas.

از آنجا که میزان مناسب مصرف میوه ها از فردی به فرد دیگر متفاوت است، برای دریافت توصیه درباره مقدار میوه مصرفی، با پزشک یا متخصص تغذیه خود مشورت کنید.

برای بیماران کلیوی، میزان مصرف میوه باید متناسب با مرحله بیماری کلیوی تنظیم شود؛ اما توصیه کلی، مصرف ۲ تا ۳ وعده میوه کم‌پتاسیم و سرشار از آنتی‌اکسیدان در روز است. مصرف کامل میوه، فیبر مورد نیاز بدن را تأمین می‌کند؛ چیزی که در آب‌میوه‌ها وجود ندارد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: ابراهیم بهمنی جلالی

لیتوگرافی و چاپ شاخه سبز قم

تلفن تماس: ۰۳۳۸۵۵۰۰۳ – تلفکس: ۰۲۰۳۳۸۵۵

آدرس: خیابان شهدا– نیش خیابان پاستور

سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و ورزشی

www.nasimnews.com

سایه جنگ با ایران بر انتخابات کنگره؛ ترامپ در محاصره بحران انرژی و کابوسی شکست انتخابات

تحولات یک هفته گذشته در آمریکا نشان می دهد جنگ این کشور با ایران، بیش از هر زمان دیگری از یک موضوع صرفا نظامی و امنیتی مانده گلرخته و به ساله ای درهم تنیده با انتخابات میان دوره ای کنگره، قیمت انرژی، افکار عمومی آمریکا و جایگاه سیاسی دونالد ترامپ تبدیل شده است؛ مساله ای که اکنون حتی زمان پایان جنگ نیز از سوی رئیس جمهوری آمریکا به انتخابات ماه نوامبر گره خورده است.

ترامپ مهم ترین تحول روزهای اخیر، رئیس جمهوری آمریکا روز چهارشنبه ۹ سپتامبر اعلام کرد جنگ با ایران احتمالا «بلافاصله پس از انتخابات میان دوره ای» پایان خواهد یافت. اگرچه او اظهارنظرش را به «قبل از انتخابات» و «بعد از انتخابات»، تغییر داد اما این در حالی است که ترامپ بارها تاکید کرده بود درگیری با ایران نباید طولانی شود و حتی در مقاطع مختلف از نزدیک بودن پایان جنگ سخن گفته بود.

ترامپ همچنین مدعی شد تهران تلاش می کند بر نتیجه انتخابات آمریکا تاثیر بگذارد. این موضع از یک منظر قابل توجه است؛ اینکه رئیس جمهوری آمریکا اکنون نه تنها درباره زمان پایان جنگ صحبت می کند، بلکه به صراحت آن را به تقویم انتخاباتی آمریکا مرتبط کرده است.

جنگ با ایران و افزایش هزینه سیاسی برای ترامپ

ترامپ همچنین در گفت وگویی با رسانه های آمریکایی اعلام کرد که از تصمیم خود برای آغاز جنگ با ایران پشیمان نیست و اگر بار دیگر در همان شرایط قرار گیرد، همان تصمیم را تکرار خواهد کرد.این موضع در حالی مطرح شد که همزمان، رئیس جمهوری آمریکا به شکل فزاینده ای درباره قیمت نفت و سوخت و تاثیر آن بر اقتصاد آمریکا سخن می گوید.

ترامپ از یک سو تلاش می کند جنگ را یک موفقیت راهبردی و دستاورد برای خود معرفی کند؛ جنگی که به ادعای او با هدف جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته ای آغاز شده و از سوی دیگر، افزایش قیمت نفت و سوخت و فشار بر مصرف کنندگان آمریکایی، هزینه سیاسی جنگ را افزایش داده است.ترامپ در روزهای گذشته صراحتا گفت که قیمت نفت و در نتیجه قیمت سوخت احتمالا تا پس از انتخابات کاهش نخواهد یافت. این اظهارنظر اهمیت زیادی دارد، زیرا قیمت سوخت یکی از ملموس ترین شاخص هایی است که شهروندان آمریکایی آثار یک بحران خارجی را در زندگی روزمره خود احساس می کند. **گازوئیل ۱۰ دلاری؛ جنگی که به زندگی آمریکایی ها رسیده است**

افزایش قیمت انرژی، تنها به قیمت بنزین محدود نیست. قیمت گازوئیل در برخی جایگاه های سوخت در کالیفرنیا در روزهای گذشته به ۹.۹۹۹ دلار در هر گالن رسید؛ رقمی که عملا همان گازوئیل ۱۰ دلاری است.

اهمیت افزایش قیمت گازوئیل، بسیار فراتر از هزینه ای است که یک راننده در جایگاه سوخت پرداخت می کند. کامیون های حمل کالا، ماشین آلات کشاورزی، اتوبوس ها، تجهیزات عمرانی و بخش بزرگی از شبکه حمل ونقل آمریکا به گازوئیل وابسته هستند.

بنابراین، افزایش قیمت این سوخت می تواند مستقیما هزینه انتقال مواد غذایی، کالاهای مصرفی، مصالح ساختمانی و خدمات را افزایش دهد و در نهایت فشار تورمی بیشتری را بر خانوارهای آمریکایی وارد کند و جنگی که هزاران کیلومتر دورتر از آمریکا جریان دارد، اکنون از طریق قیمت سوخت وارد زندگی روزمره آمریکایی‌ها شده است.

ترامپ در میانه وعده پایان جنگ و منافع نفتی آمریکا یکی از قابل توجه ترین ادعاهای ترامپ درباره آینده حضور و منافع آمریکا درجنگ علیه ایران است.ترامپ در جریان سفر خود به ایرلند در گفت‌وگو با خبرنگاران ادعا کرد: «ایران به‌شدت می‌خواهد توافق کند. آنها مدام تماس می‌گیرند. می‌خواهند توافقی انجام دهند. اما باید توافق درستی انجام دهند. من توافقی را که خوب نباشد، نمی‌پذیرم.»

این در حالی است که رئیس‌جمهوری اسلامی ایران گفته است: اگر ایالات متحده به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد بازگردد، تهران نیز حاضر است تعهدات خود را ازسر بگیرد.

رئیس‌جمهوری آمریکا در گفت‌وگو با خبرنگاران در ایرلند در عین حال گزینه دیگری را نیز مطرح کرد: ادامه حضور و درگیر ماندن در ایران. او این وضعیت را با توافق آمریکا درباره ونزوئلا که در ماه گذشته اعلام شد، مقایسه کرد. ترامپ ادعا کرد: «در نهایت از ایران خارج خواهیم شد، مگر این‌که تصمیم بگیریم بمانیم و مانند ونزوئلا نفت را در اختیار بگیریم.»

او ادعا کرد که درآمد آمریکا از ونزوئلا «بارها هزینه جنگ را تامین کرده است.»او همزمان مدعی شد: انتظار دارد



جنگ در ماه های آینده و احتمالا پس از انتخابات میان دوره ای پایان یابد.ترامپ از یک سو از پایان جنگ سخن می گوید و از سوی دیگر، منافع نفتی آمریکا در ایران را مطرح می کند! اگر در آغاز جنگ، هدف اصلی واشنگتن در روایت رسمی کاخ سفید جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته ای عنوان می شد، اکنون سخن گفتن مستقیم از نفت ایران، تصویر پیچیده تری از محاسبات آمریکا ارائه می دهد.این تغییر لحن، همچنین پرسش هایی درباره اهداف بلندمدت واشنگتن در قبال ایران ایجاد کرده است؛ به ویژه آنکه ترامپ همزمان با تاکید بر پایان جنگ، از احتمال حفظ منافع آمریکا در منابع انرژی ایران سخن می گوید.در واقع، نفت در حال تبدیل شدن به یکی از حلقه های اصلی اتصال جنگ ایران، سیاست خارجی آمریکا و سیاست داخلی این کشور است.

تنگه هرمز؛ نقطه فشار ایران و پاشنه آشیل آمریکا

همزمان با این تحولات، وضعیت تنگه هرمز همچنان یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده در معادلات جنگ است. تلاش عمان برای برگزاری نشست میان ایران و کشورهای عرب خلیج فارس درباره نحوه مدیریت تردد در تنگه هرمز در این هفته با تعویق مواجه شد. این تعویق در شرایطی صورت گرفت که حملات و تنش های منطقه ای ادامه دارد و نگرانی ها درباره امنیت مسیرهای انتقال انرژی افزایش یافته است.همزمان، قیمت نفت در بازار جهانی افزایش یافته و نگرانی درباره اختلال در عرضه انرژی، فشار مضاعفی بر اقتصاد جهانی و به ویژه اقتصاد آمریکا وارد کرده است.

این وضعیت، برای دولت ترامپ یک مشکل اساسی ایجاد کرده است: آمریکا از یک سو تلاش می کند نقش خود را به عنوان قدرت مسلط بر امنیت مسیرهای دریایی منطقه نشان دهد و از سوی دیگر، ادامه ناامنی در این منطقه به افزایش قیمت انرژی در داخل آمریکا منجر می شود.در واقع، تنگه هرمز از یک موضوع نظامی به یک موضوع اقتصادی و انتخاباتی برای واشنگتن تبدیل شده است.

شورای امنیت سازمان ملل؛ رویارویی آمریکا با روسیه و چین درباره ایران

در کنار تحولات نظامی و اقتصادی، هفته گذشته شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز شاهد یکی از صحنه های مهم تقابل دیپلماتیک بر سر ایران بود.شورای امنیت نشستی درباره کمیته ۱۷۳۷ مرتبط با ایران برگزار کرد؛ نشستی که بار دیگر اختلاف عمیق میان اعضای شورای امنیت درباره ایران را آشکار ساخت. آمریکا و کشورهای اروپایی تلاش دارند فشارهای بین المللی علیه ایران را حفظ و تشدید کنند، در حالی که روسیه و چین با این رویکرد مخالفت کردند.نشست مذکور بدون دستیابی به نتیجه پایان یافت و مخالفت روسیه و چین نشان داد که این دو عضو دائم شورای امنیت، هرگونه تلاش آمریکا برای استفاده ابزاری

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس:

کالابرگ برای اقتصادی که در حال از بین رفتن است، فقط مُسکن است

پاک کرده و از افزایش قیمت سخن می‌گوییم. کشورهای دیگر با توسعه حمل‌ونقل عمومی و خودروهای برقی، وابستگی به بنزین را کاهش داده‌اند، اما ما این اقدامات



را انجام نداده‌ایم.بیگدلی درباره اختصاص درآمد افزایش قیمت بنزین به کالابرگ نیز گفت: قرار است مابه‌التفاوت قیمت بنزین به کالابرگ اختصاص یابد، اما افزایش قیمت بنزین در نهایت بر زندگی کسانی اثر می‌گذارد که حتی مصرفی ندارند و در شرایط ضعف نظارت، قیمت کالاها نیز چندین برابر می‌شود.

وی با اشاره به افزایش قیمت کالاهای اساسی اظهار کرد:

از شورای امنیت علیه ایران، ناگزیر با موضع این دو قدرت رویه رو خواهد شد.

از این منظر، نشست کمیته ۱۷۳۷ را باید بخشی از تقابل گسترده تر آمریکا و متحدانش با ایران در عرصه دیپلماتیک دانست؛ تقابلی که در آستانه برگزاری هشتاد و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد اهمیت بیشتری پیدا می کند.

۱۱ سپتامبر و تلاش واشنگتن برای بازتعریف روایت جنگ

یکی دیگر از تحولات قابل توجه هفته گذشته، نحوه سوءاستفاده دولت ترامپ از بیست و پنجمین سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر بود.ترامپ و پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا، در مراسم سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر تلاش کردند میان میراث حملات تروریستی سال ۲۰۰۱ و جنگ‌های امروز خود پیوند برقرار کنند.این مساله از نظر سیاسی اهمیت دارد، زیرا دولت ترامپ برای حفظ حمایت افکار عمومی از جنگ ایران نیازمند ارائه یک چارچوب امنیتی برای توجیه ادامه درگیری است.

ترامپ در سال های گذشته، بارها از جنگ های طولانی آمریکا و مداخلات خارجی انتقاد کرده و خود را رئیس جمهوری معرفی کرده بود که قرار بود، آمریکا را از جنگ های بی پایان دور کند اما اکنون جنگ علیه ایران، این وعده را با یک آزمون

جدی مواجه کرده است.

ترامپ گرفتار هزینه های جنگ با ایران

مجموعه تحولات هفته گذشته نشان می دهد دولت ترامپ در برابر یک دوگانگی فزاینده قرار گرفته است: ترامپ برای حفظ اعتبار سیاسی خود نیاز دارد جنگ علیه ایران را یک پیروزی معرفی کند؛ اما برای کاهش فشار اقتصادی بر جامعه آمریکا نیز به پایان جنگ و کاهش قیمت انرژی نیاز دارد.

از این رو، سخنان متناقض ظاهری او درباره ایران را می توان در یک چارچوب مشترک تحلیل کرد: ترامپ به دنبال پایان جنگ است، اما نه به هر قیمتی و نه پیش از آنکه بتواند آن را به عنوان یک پیروزی سیاسی و راهبردی به افکار عمومی آمریکا عرضه کند.

گره زدن پایان جنگ به انتخابات میان دوره ای، وعده کاهش قیمت سوخت پس از پایان جنگ، سخن گفتن از منافع نفتی آمریکا در ایران و تاکید بر جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته ای، همگی نشان می دهد که جنگ ایران اکنون در نقطه تلاقی سه حوزه قرار گرفته است: حوزه های امنیتی، انرژی و سیاست داخلی(انتخابات).

در همین حال، افزایش قیمت نفت و رسیدن گازوئیل در برخی جایگاه های سوخت در کالیفرنیا به سقف ۹.۹۹۹ دلار، یعنی عملا ۱۰ دلار در هر گالن، نشان می دهد که هزینه جنگ دیگر یک مفهوم انتزاعی برای شهروند آمریکایی نیست؛ بلکه به هزینه حمل و نقل، کالا و زندگی روزمره تبدیل شده است.در عرصه بین المللی نیز مخالفت روسیه و چین با رویکرد آمریکا در نشست شورای امنیت نشان داد واشنگتن برای ایجاد اجماع بین المللی علیه ایران با محدودیت های جدی مواجه است.همزمان، گسترش بحران به یمن و عربستان و افزایش نگرانی درباره امنیت باب المندب، در کنار وضعیت تنگه هرمز، نشان می دهد پایان درگیری مستقیم میان آمریکا و ایران لزوما به معنای پایان بحران منطقه ای نخواهد بود.از این منظر، پرسش اصلی هفته های آینده دیگر صرفا این نیست که جنگ چه زمانی پایان خواهد یافت؛ بلکه این است که ترامپ با چه شرایطی حاضر خواهد شد پایان جنگ را بپذیرد، هزینه اقتصادی آن تا انتخابات میان دوره ای کنگره چه میزان خواهد شد و آیا آمریکا می تواند پیش از آنکه فشار قیمت انرژی به یک مسئله جدی انتخاباتی تبدیل شود، معادله جنگ را تغییر دهد یا خیر.اگر جنگ تا انتخابات میان دوره ای ادامه یابد، هر گالن گران تر سوخت، هر کامیون با هزینه حمل بیشتر و هر افزایش قیمت مواد غذایی می تواند به بخشی از مناظره سیاسی آمریکا تبدیل شود. در چنین شرایطی، شاید مهم ترین جبهه جنگ برای ترامپ دیگر فقط خاورمیانه نباشد؛ بخشی از سرنوشت سیاسی او اکنون در پمپ های بنزین آمریکا، در قیمت گازوئیل و در واکشش رای دهندگان آمریکایی به هزینه های جنگ رقم خواهد خورد.



nasimgilan۷۶@yahoo.com

پنج شنبه ۲۶ شهریور۱۴۰۵ -۵ربیع الثانی ۱۴۴۸ -۱۷سپتامبر ۲۰۲۶ - شماره ۷۸۴۰

پنج‌شنبه ۲۶ شهریور۱۴۰۵
اذان صبح : ۰۴:۳۱
طلوع آفتاب : ۰۵:۴۷
اذان ظهر : ۱۲:۰۷
غروب آفتاب : ۱۸:۲۸
اذان مغرب : ۱۸:۴۷
نیمه شب : ۲۳:۲۵

طنز سیاه به روایت گاردین

رد خون روی دست ترامپ، از میناب تا عروسی سیریک



آمریکا گذاشته است. مارک زندی، اقتصاددان ارشد موسسه رتبه اعتباری «مودیز»، برآورد کرده که این درگیری برای هر خانوار معمولی آمریکایی حدود ۱۲۰۰ دلار هزینه داشته است. و البته هزینه انسانی را هم نباید از یاد برد؛ هزاران نفری که جان خود را از دست داده‌اند.

اینکه این «درگیری نظامی» را چه بنامیم، صرفا یک میحت معاشناسی و علم لغات نیست؛ موضوع به‌شدت اهمیت دارد. به‌ویژه اینکه قانون اساسی آمریکا به‌صراحت می‌گوید رئیس‌جمهور نمی‌تواند از روی هوی و هوس و به‌طور یک‌جانبه جنگی رسمی را آغاز کند؛ بلکه تنها کنگره اختیار اعلام جنگ را دارد.

البته ترامپ نخستین رئیس‌جمهوری نیست که بدون اخذ مجوز از کنگره، یک اقدام نظامی گسترده را آغاز می‌کند. هری ترومن نیز برای دور زدن کنگره، جنگ کره را «اقدام پلیسی» نامید و روسای جمهور بعدی نیز از چنین بازی با کلمات و شامورتی‌بازی‌های مشابهی استفاده کرده‌اند. اما همانگونه که فردریک لوگوال، مورخ و کارشناس روابط خارجی سوئدی-آمریکایی، در گفت‌وگویی با دانشکده کندی دانشگاه هاروارد خاطرنشان کرده است، «موضوع شگفت‌انگیز درباره ترامپ در شرایط فعلی، این است که او عملا حتی زحمت مشورت با کنگره را هم به خود نداده، چه برسد به اینکه برای جلب موافقت کنگره تلاش کند. به عبارت بهتر، او همانند یک دیکتاتور رفتار می‌کند.» البته از حق نگذریم، ترامپ آشکارا اعلام کرده که دارد از روی دست ترومن کپی می‌کند. او در ضیافتی برای جمع‌آوری کمک مالی در ماه مارس اذعان کرد: «من از کلمه «جنگ» استفاده نمی‌کنم، چون می‌گویند اگر از کلمه جنگ استفاده کنید، شاید خوب نباشد.

آنها کلمه جنگ را دوست ندارند، چون در آن صورت باید مجوز بگیریم. بنابراین من از «عملیات نظامی» استفاده می‌کنم که واقعا هم همین است. این یک عملیات نظامی برای نابودی است.»

به نوشته نگارنده، اجتناب از اعلان رسمی جنگ همچنین ممکن است به دولت آمریکا کمک کند تا برخی تعهدات «زمان جنگ» در قبال نیروهای نظامی و خانواده‌هایشان را دور بزند. لیبی کلینر، همسر یکی از خلبانان نیروی هوایی آمریکا که در عملیاتی رزمی علیه ایران در ماه مارس کشته شد، به‌تازگی در اینستاگرام نوشت که «برخی مزایای مشخص را دریافت نمی‌کنند، زیرا آمریکا به لحاظ فنی در وضعیت جنگی قرار ندارد.»

کلینر در این پیام اینستاگرامی نوشت: «نیروی هوایی به‌تازگی به من گفت چون ما به‌طور رسمی اعلام جنگ نکرده‌ایم، من و فرزندانم واجد شرایط دریافت برخی مزایا نیستیم. بنابراین نه‌تنها همسرم در جنگی کشته شد که هرگز نمی‌خواست در آن شرکت کند، بلکه اکنون آن مزایایی که برای ما باقی‌مانده را هم بازی با کلمات و برداشت افکار عمومی دیکته می‌کند.»پس از انتشار گسترده این پیام در فضای مجازی، به نظر می‌رسد دولت برای آرام کردن فضا وارد عمل شده است.

ونس به‌تازگی مدعی شد که دولت آمریکا اطمینان حاصل خواهد کرد که کلینر «آنچه مستحقش است را دریافت کند.» با این حال، ستون‌نویس گاردین دراین‌باره می‌نویسد: دولت آمریکا شاید بتواند مشکل مزایای کلینر را حل کند، اما جبران خسارت اقتصادی و سیاسی ناشی از این جنگِ «ناجنگ» برایش بسیار دشوار خواهد بود.

جهانگیر:

ریشه‌های فساد در شرکت‌های دولتی شناسایی شود



هزینه‌کرد آنها تأکید کرد و گفت: باید مشخص شود هر شرکت چه میزان منابع در اختیار داشته، این منابع چگونه هزینه شده و حاصل عملکرد آن در برابر منابع مصرف‌شده چه بوده است.

مجلس نمایندگان آمریکا طرح استیضاح ترامپ را رد کرد



افتاده است؛ بار نخست در سال ۲۰۱۹ و بار دوم در سال ۲۰۲۱، که در هر دو مورد، طرح‌های مذکور در مجلس سنا رد شدند.